رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از مدیران، استادان و طلاب جامعه‌الزهرا(س) تبیین کردند

حوزه و اقتضائات زمان

رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر دیروز در دیدار جمعی از مدیران، استادان و طلاب جامعه‌الزهرا(س)، این مجموعه اثرگذار را از پدیده‌های بی‌نظیر برآمده از انقلاب اسلامی و موجب افزایش سطح معلومات دینی و اثرگذاری زنان دانستند و با اشاره به ضرورت تحول و روزآمدی حوزه‌های علمیه هم‌پای تحولات جامعه، گفتند: «حوزه‌های علمیه باید برای مسائل مهم جامعه از جمله مسائل اقتصادی، حکمرانی و خانواده نظر داشته باشد.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، تشکیل جامعه‌الزهرا(س) را مرهون ابتکار امام بزرگوار خواندند و گفتند: «نفس تشکیل مجموعه‌ای با مأموریت ارتقای معرفت و آگاهی دینی جمع زیادی از زنان و دختران کشور، بسیار ارزشمند است؛ چراکه تاقبل از آن زنان در تاریخ کشور از چنین امکانی برخوردار نبوده‌اند.»

ایشان با اشاره به صدمات فراوان ناشی از گسترش فرهنگ غربی به جامعه زنان در دوره رضاخانی از جمله عوارض ناشی از سطح پایین معلومات دینی زنان و نبود مجموعه مختص ارتقای معرفت دینی آنان، افزودند: «امروز جامعه‌الزهرا(س) متکفل این مأموریت مهم است، بنابراین هرچه بتوانید دانشجویان بیشتری جذب کنید و معلومات دینی آنها را بالاتر ببرید، کاری ارزشمند است.»

رهبر انقلاب، لازمه حرکت به سمت تمدن اسلامی را گسترش معارف اصیل دینی در میان عموم مردم خواندند و با توجه به این ضرورت، گفتند: «تبلیغ و تبیین معارف اسلامی و احیای دین، مأموریت مهم دیگر جامعه‌الزهرا(س) است که باید برای اثرگذاری تربیتی و پیشبرد معنوی زنان که نیمی از جامعه هستند، هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی انجام شود.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تحول را امری طبیعی و قهری در عالم خواندند و گفتند: «چنانچه زمام تحول به دست افراد عاقل و متدین باشد جامعه و بشریت اعتلا پیدا می‌کند، اما بدون آن، تحول رو به گمراهی و انحطاط می‌رود همچنانکه امروز در جوامع غربی، منکرات عقلی به معروف تبدیل شده است.»

ایشان حوزه‌های علمیه را همچون سایر مجموعه‌ها نیازمند تحول دانستند و افزودند: «حوزه علمیه برای مردم و تبلیغ و پیشبرد دین و ایجاد حاکمیت دینی است که با توجه به درحال تحول بودن جامعه، حوزه علمیه هم باید برای انجام صحیح وظایف خود روزآمد شود.»

رهبر انقلاب، به‌روزرسانی کتاب‌ها و شیوه‌های درسی در حوزه‌های علمیه و ورود به مسائل مورد نیاز جامعه از جمله مسائل پولی و مالی، حکمرانی، خانواده و مسائل جدید همچون رمزارزها را از جمله الزامات تحول در حوزه علمیه خواندند و افزودند: «مخالفت با تحول حوزه علمیه، مخالفت با پیشرفت دین در کشور است البته کسانی باید تحول را ایجاد کنند که صلاحیت آن را داشته باشند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، با اشاره به لزوم حضور زنان دارای سطح بالای معارف دینی در رسانه‌ها و اجتماعات بین‌المللی و نقش جامعه‌الزهرا(س) در این خصوص، افزودند: «بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زنان فاضل پرشماری در جامعه حضور دارند که باید برای بیان مسائل مرتبط با زن و خانواده در رسانه‌ها آماده شوند و همچنین باید بتوانند در مجامع بزرگ جهانی و اسلامی با استناد به آیات و روایات و نهج‌البلاغه، مطالب عالی دینی را بیان کنند که این کار هم در پیشرفت و شناساندن کشور در دنیا و هم در ایجاد امت اسلامی تأثیرگذار خواهد بود.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، برنامه‌ریزی برای تهذیب و پیشرفت روحی و معنوی زنان در جامعه‌الزهرا(س) را در کنار آموزش‌های علمی ضروری دانستند و گفتند: «بانوی برخوردار از اخلاق اسلامی و تهذیب نفس می‌تواند نسل آینده را متحول و تربیت کند.»

در ابتدای این دیدار، خانم برقعی، مدیر جامعه‌الزهرا(س) گزارشی از فعالیت‌ها و برنامه‌های این مجموعه بیان کرد.

مقاومت لبنان در سناریوهای مختلف آتش‌بس چه امکان‌هایی دارد

ابتکار در میدان، پیشرفت در دیپلماسی

- مسعود اسدالهی: نبیه بری در برابر زیاده‌خواهی رژیم صهیونیستی کوتاه نمی‌آید
- محمد خواجویی: تغییر صحنه جنگ در دو ماه گذشته رژیم صهیونیستی را به آتش‌بس راضی کرد

فرهیختگان
پنجشنبه اول آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۸۵
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

هوکشتاین چهارشنبه راهی تل‌آویو شد تا با نتانیاهو دیدار کرده و در خصوص پیش‌نویس توافق صحبت کند. به‌نظر می‌رسد، متن پیش‌نویس تقریباً نهایی است و نبیه بری و نماینده آمریکا نیز مسیر توافق را مثبت ارزیابی کردند. تا الان اما صهیونیست‌ها اظهارنظری در خصوص ادامه یا عدم ادامه جنگ اعلام نکرده‌اند اما با در نظر گرفتن تشدید حملات حزب‌الله به اسرائیل و فرسایشی شدن آن به نظر می‌رسد، حالا بیش از هر زمانی توافق در دسترس است. احیای قطعنامه ۱۷۰۱ همچنان در دستورکار است با این تفاوت که در خصوص برخی موارد گفت‌وگوهایی صورت گرفته است. برای بررسی ابعاد توافق آتش‌بس در لبنان با مسعود اسدالهی، کارشناس مسائل لبنان و محمد خواجویی، مدیر گروه لبنان پژوهشکده خاورمیانه گفت‌وگو کردیم که مشروح آن را از نظر می‌گذرانید.

■■■

محمد خواجویی: تغییر صحنه جنگ در دو ماه گذشته رژیم صهیونیستی را به آتش‌بس راضی کرد

خواجویی ضمن اشاره به این موضوع که کلید گفت‌وگو در خصوص آتش‌بس از هفته گذشته خورده است، این را آخرین تلاش‌های تیم بایدن برای مؤثر بودن کارنامه خود در آتش‌بس دانست و در خصوص این طرح گفت: «طرح آتش‌بس ارائه شده که گفته شده قرار است با طرف اسرائیلی در این خصوص صحبت‌هایی مطرح شود. چهارچوب بر مبنای قطعنامه ۱۷۰۱ است و این نکته مهمی است، چون تا پیش از این، سوال بود که آتش‌بس بر چه اساسی استوار است. اصرار طرف لبنانی از گذشته تا همین الان بر این بود که مبنای آتش‌بس بر مبنای قطعنامه ۱۷۰۱ باشد. علت آن هم این بود که قطعنامه در ۲۰۰۶ منعقد شد و بازگشت همه طرف‌ها به قطعنامه به این معناست که درست است جنگ آسیب‌هایی را وارد کرده، اما از نظر طرف لبنانی اگر ترتیبات امنیتی به سال ۲۰۰۶ برگردد، تقریبا تغییر راهبردی در آن منطقه شکل نگرفته است و می‌توانست شرایط متفاوت باشد، به این معنا که شرایط به قدری تغییر می‌کرد که اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ از حیز انتفاع خارج می‌شد و با اصرار طرف آمریکایی فضا به سمتی می‌رفت که یا قطعنامه جدیدی تصویب می‌شد که معادلات امنیتی متفاوت با گذشته بود یا به سمت اصلاحات بنیادین می‌رفت. از این نظر که چهارچوب ارائه شده بر مبنای ۱۷۰۱ یک نشانه مهم دارد و آن هم این است که به رغم ضرباتی که اسرائیل به حزب‌الله وارد کرد، دست‌کم تا این مرحله نمی‌توانیم بگوییم که یک معادله امنیتی جدید تثبیت شده است. اینکه ۱۷۰۱ احیا شود، نشان می‌دهد وضعیت به نوعی است که از نظر ترتیبات امنیتی، مربوط به ۱۷۰۱ است. البته نوع اجماع و کیفیت اجرای قطعنامه مهم است و اینکه بندهایی در آن نباشد که بتواند شرایط را متزلزل کند، مهم است.»

آزادی عمل اسرائیل در لبنان حذف شد

خواجویی به موارد اختلافی پیش‌نویس اشاره کرد و گفت: «چند مسئله اختلافی در خصوص مذاکرات وجود دارد. جنجالی‌ترین بحثی که در پیش‌نویس توافق ارائه شده از سوی آمریکایی‌ها وجود داشت، این است که اسرائیل شرط گذاشته بود که آزادی عمل در لبنان داشته باشد و وقتی احساس کند، تهدید اتفاق افتاده یا قطعنامه نقض شده، می‌تواند اقدام کند. دادن چنین اجازه‌ای به این معنی است که اسرائیل هر زمان که اراده کند، هر کاری را می‌تواند انجام دهد که این آشکارا در تضاد با حاکمیت ملی لبنان بود و در روزهای اخیر هم بارها مقامات لبنانی، در ارتباط با این موضوع صحبت کردند که به هیچ عنوان چنین شرطی را نخواهند پذیرفت که اسرائیل آزادی عمل داشته باشد. به نظر می‌رسد در گفت‌وگوهای انجام شده این موضوع تعدیل شده و با میانجیگری آمریکا به این شکل طرح اصلاح شده که دو طرف حق دفاع از خودشان را دارند، در صورتی که از طرف مقابل تجاوز به آنها صورت گیرد. در واقع بر مبنای آنچه اصلاح شده، چیزی به عنوان حمله پیشدستانه وجود نخواهد داشت بلکه حق دفاع طرفین بر مبنای تجاوز طرف مقابل است و گویی نیز آمریکا در این زمینه تضمینی به لبنان داده است که در نحوه اجرا چه بحثی صورت گیرد.»

نظارت کمیته به اجرای قطعنامه هنوز محل ابهام است

خواجویی گفت در خصوص تشکیل کمیته نیز در خصوص حضور آلمان و انگلیس اختلاف نظر وجود داشت و توضیح داد: «مسئله دیگر موضوع تشکیل کمیته برای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ است. این کمیته سه جانبه، بین اسرائیل، لبنان و سازمان ملل است. طرف آمریکایی برای اینکه بتوانند نحوه اجرا را قوی‌تر کنند، صحبت کردند که طرف‌های جدیدی به کمیته اضافه شوند و صحبت از اضافه شدن آمریکا، فرانسه، آلمان و انگلیس به این توافق بود. که در روزهای اخیر طرف لبنانی بر مبنای آنچه در رسانه‌ها منتشر می‌شد، گویی با حضور فرانسه مسئله‌ای نداشتند و تمرکز بر عدم حضور آلمان و انگلیس در این کمیته بود که طبق آخرین اخبار گویی طرف لبنانی از این موضوع کوتاه آمده و قرار بر این شده که آمریکا و فرانسه در این کمیته حاضر باشند و صحبت از حضور انگلیس شده اما در خصوص آلمان اظهار نظری نمی‌توان داشت. چراکه آلمان به آن تحفظ داشت و با توجه به مواضع سفت و سختی که آلمان در روزهای اخیر علیه حزب‌الله در خصوص جنگ اسرائیل علیه لبنان داشته است. وظیفه کمیته نظارت بر اجرای قوانین است و مهم است که اختیارات کمیته و نحوه نظارت بر قواعد چگونه باشد. چراکه حضور کشورها در این کمیته اگر چهارچوب روابط مشخص نباشد، می‌تواند زمینه‌ای برای نقض حاکمیت لبنان فراهم کند و به بهانه‌های مختلف، مکان‌های مختلف را بازرسی کند. در واقع یک آزادی عمل در خصوص این کمیته و نمایندگان آن وجود دارد که این محل ابهام است که کمیته چگونه می‌خواهد به این قطعنامه نظارت کند که از جمله موارد مبهم این توافق است.»

بازگشت فوری نیروهای ارتش در پیش‌نویس جدید ثبت شد

خواجویی همچنین گفت که زمان ترک نیروهای اسرائیل از لبنان نیز در پیش‌نویس جدید، مورد تجدید نظر قرار گرفته و گفت: «در خصوص زمان بازگشت نیروهای اسرائیل از جنوب لبنان است که قرار بوده طبق پیش‌نویس اسرائیل نیروهای خود را در ۶۰ روز از لبنان خارج کند اما در این توافق تبدیل شده به بازگشت فوری که البته موضع لبنان این بوده است. جزئیات دیگری مثل کم و کیف نیروهای ارتش لبنان در آن محدوده جنوب لبنان در ارتباط با نحوه از بین بردن زیرساخت‌های حزب‌الله در آن منطقه، وجود دارد. اینها موضوعات بحث‌برانگیزی است که میان دو طرف وجود داشته که همه این موضوعات می‌تواند در نحوه اجرا چالش‌هایی داشته باشد اما اگر جزئیات روشن شود، چالش‌ها کم می‌شود.»

آمریکا به دنبال پایان جنگ فرسایشی

خواجویی در ادامه به این موضوع اشاره کرد که ادامه وضعیت به این شکل منجر شد که حتی اسرائیل حاضر به پذیرش آتش‌بس شود و گفت: «وضعیت شکننده است. همین الان که وضعیت دیپلماسی طی می‌شود به صورت معکوس شاهد این هستیم که طی یک هفته، ده روز اخیر شاهد افزایش حملات اسرائیل به داخل لبنان و همین طور، افزایش حملات حزب‌الله به داخل اسرائیل بودیم که البته می‌شود این را این طور تفسیر کرد که افزایش حملات که از سوی دوطرف تشدید پیدا کرده بود با این هدف انجام شده بود که در روزهایی که صحبت از آتش‌بس است، دوطرف در این روزها نهایت استفاده خودشان را ببرند و نهایت فشار را به طرف مقابل بیاورند که در عرصه مذاکره دست بالا را داشته باشند و نگذارند طرف مقابل عملا برنده توافق بشود. بنابراین الان که این مذاکرات وجود دارد، شاهد افزایش تنش هم هستیم. مسئله این است که اسرائیل، در دو ماه اخیر، عملیات نظامی خود را علیه لبنان شدت داد و ضربات بی‌سابقه‌ای زد. خودش اعلام کرد که این عملیات با این هدف صورت گرفته که ساکنان شمال اسرائیل به خانه‌های خود برگردند که نزدیک به ۷۰ هزار نفرند؛ تا حزب‌الله تضعیف شود و امکان اقدام علیه اسرائیل را نداشته باشد؛ به رغم اینکه عملیات‌ها انجام می‌شود و علی‌رغم اینکه عملیات نظامی گسترده در مناطق مختلف لبنان رخ داده که دیگر منحصر به مکان‌هایی نیست که حزب‌الله حضور دارد؛ در کنار آن هم عملیات زمینی نشان می‌دهد که درست است این اتفاقات ضرباتی به حزب‌الله وارد کرد اما باعث نشد که اسرائیل بتواند از طریق اقدام نظامی به قدری به طرف مقابل ضربه بزند که طرف مقابل توان ضربه زدن را نداشته باشد و در چند ماه اخیر، اتفاقا شاهد هستیم که مناطق بیشتری در اسرائیل مورد هدف قرار می‌گیرد. چند روز پیش که حزب‌الله ساختمانی را در تل‌آویو هدف قرار داد سوال بزرگ این بود که اسرائیل بخش‌هایی از خاک لبنان را هدف قرار داده و حتی عملیات زمینی انجام داده که ساکنان شمال را برگرداند. نه تنها برنگشتند بلکه حتی تل‌آویو هم هدف قرار می‌گیرد. در خصوص کارایی رفتار اسرائیل بحث‌های زیادی مطرح است. به نظر من چالشی که برقرار است این است که اسرائیل، به رغم ضرباتی که به طرف مقابل زده، نتوانسته به طور کامل، قدرت بازدارندگی را احیا کند که همچنان طرف‌ها از جمله حزب‌الله لبنان در یک موقعیت بقای قابل توجه و حتی قدرت تهاجمی در وضعیت قابل قبولی هستند و این در نهایت می‌تواند محلی برای نگرانی اسرائیل باشد که حزب‌الله دوباره بتواند خود را در این مسیر احیا کند اما تداوم وضعیت فرسایشی برای اسرائیل وجود ندارد و شرایط اسرائیل در لبنان و غزه کاملا متفاوت است. بعد از عملیات ۷ اکتبر و بعد از چند هفته‌ای که عملیات نظامی را شروع کرد، تقریبا هیچ اقدام ایذایی بزرگی علیه اسرائیل از جانب غزه شاهد نبودیم که بتواند اسرائیل را دچار وضعیت فرسایشی کند و تهدیداتی متوجه اسرائیل شود اما در مورد جبهه لبنان وضعیت کاملا متفاوت است. به رغم ضربات اما همچنان حزب‌الله ضربات ایذایی قابل توجهی به اسرائیل وارد می‌کند. بنابراین اینجا صحنه جنگ مثل غزه نیست که هرچند هنوز اسرائیل در غزه نتوانسته به یک نقطه پایان برسد و هنوز علامت سؤال‌هایی وجود دارد در اینجا به نظر می‌رسد که امکان تداوم شرایط وجود ندارد و همین تحرکی که آمریکایی‌هایی داشتند نشان می‌دهد آنها هم به این نتیجه رسیده‌اند که تداوم این وضعیت به نفع اسرائیل نیست. نکته مهمی در رفتار آمریکایی‌ها وجود دارد که می‌تواند صحنه را روشن کند. هوکشتاین بارها به لبنان و اسرائیل رفت و آمد داشت و طرح‌هایی هم ارائه کرده بود که آخرین تلاش‌ها قبل از عملیات اسرائیل بود. بعد از شروع حملات گسترده اسرائیل شاهد هیچ تحرک دیپلماتیکی از سمت آمریکایی‌ها در مورد لبنان نبودیم. به عبارتی رفتار آمریکایی‌ها نشان می‌داد که گویی آمریکا، چراغ سبزی به اسرائیل نشان داده که تا جای ممکن اسرائیل ضرباتی را به لبنان و حزب‌الله وارد کند و سکوتشان معنادار بود. اما اینکه بعد از ۵۰ روز از شروع، شاهد تحرک تازه‌ایم، نشان می‌دهد آمریکا به این جمع‌بندی رسید که جنگ شکل فرسایشی پیدا کرده و باید هرچه زودتر خاتمه پیدا کند. خبرها حاکی از این است که تیم ترامپ به هوکشتاین هم چراغ سبز نشان داده که آتش‌بس را به نتیجه برساند.»

حزب‌الله نیز موافق پایان جنگ در شرایط فعلی است

خواجویی در خصوص اینکه سفر لاریجانی چه میزان تأثیر در به نتیجه رسیدن توافق داشته نیز گفت: «آن طور که شنیده می‌شود، آقای لاریجانی حمایتی از مدیریت لبنان در مورد مذاکرات آتش‌بس، اعلام کرده و خواسته به نحوی حمایت ایران را از تصمیمات طرف لبنانی اعلام کند و نشان دهد که ایران هم موافق آتش‌بس است و اگر امکانی باشد آتش‌بس صورت گیرد تا اینکه مانع از پیچیده شدن شرایط بشود، به ویژه بعد از روی کار آمدن ترامپ این نکته مطرح بود که هرچه زودتر بتوان آتش‌بس را به نتیجه رساند که به نفع محور مقاومت و طرف ایرانی است. شرایط نسبت به دو ماه قبل تغییر کرده و طرف لبنان اعلام می‌کرد که آتش‌بس مشروط به آتش‌بس در غزه است اما در این شرایط این شرط مطرح نمی‌شود و طرف لبنانی هم آماده مذاکرات است. به نظر من عقل حاکم بر حزب‌الله هم به این نتیجه رسیده که اگر در برهه کنونی جنگ متوقف شود، حزب‌الله فرصت بیشتری خواهد داشت که خودش را احیا کند.»

■■■

اسداللهی: اسرائیل با ترور سید حسن به اهدافش نرسید

پس از تحولاتی که در طول ماه‌های اخیر رخ داد تمرکز جنگ از غزه به لبنان منتقل شد، هرچند تجاوزهای وحشیانه علیه غزه همچنان ادامه دارد. مسعود اسداللهی با بیان اینکه جنگ در لبنان به طور قابل توجهی گسترش یافته و باعث جلب توجه بسیاری شده است، تصریح کرد: «در این میان اتفاقات عجیبی نیز رخ داد؛ از جمله هدف قرار گرفتن رهبران و فرماندهان مهم حزب‌الله. از دیدگاه اسرائیلی‌ها تصور می‌شد که به طور کلی حزب‌الله و مقاومت اسلامی در لبنان، سلسله مراتب فرماندهی خود را از دست داده است. آن‌ها بر این باور بودند که رهبران درجه یک، چه در حوزه سیاسی و چه نظامی، از دست رفته‌اند و سازمان رزم حزب‌الله از هم پاشیده است. همچنین گمان می‌کردند رزمندگان حزب‌الله دیگر فرماندهی مؤثر ندارند و قادر نخواهند بود در برابر ورود زمینی ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان مقاومت کنند. به همین دلیل، از حدود یک ماه پیش، اسرائیل اقدام به آغاز ورود زمینی کرد. این اقدام چند روز پس از شهادت سید حسن نصرالله و با فاصله کوتاهی پس از شهادت سید هاشم آغاز شد. در این حملات، شمار زیادی از فرماندهان اصلی نیز به شهادت رسیدند. اسرائیلی‌ها به این نتیجه رسیدند که اکنون فرصت مناسبی برای ورود زمینی و اشغال بخشی از خاک لبنان، میان «خانه» و مرز، فراهم شده است. اما برخلاف تمام توقعات و پیش‌بینی‌های اسرائیلی‌ها، در این یک ماه، با مقاومت بسیار مؤثر، سازمان‌دهی شده، دقیق و شجاعانه رزمندگان حزب‌الله مواجه شدند. این مقاومت نه تنها تلفات سنگینی به اسرائیل وارد کرد (چه از نظر کشته و چه زخمی)، بلکه موجب شگفتی آنان شد که چگونه این رزمندگان با این قدرت مبارزه می‌کنند. علاوه بر این، پرتاب موشک‌ها نه تنها متوقف نشد، بلکه موشک‌های جدید و قوی‌تری نیز مورد استفاده قرار گرفت.»

هوکشتاین یک افسر اسرائیلی است

ارتش رژیم صهیونیستی علاوه بر حملات هوایی به سرزمین‌های اشغالی و لبنان، نیروی زمینی خود را نیز به کار می‌گرفت تا پازل جنایت‌هایش را تکمیل کند. اسداللهی با اعتقاد بر اینکه آن‌ها در میدان نبرد زمینی لبنان هم نیز درگیر شده و موفقیت چندانی کسب نکردند، ادامه داد: «با وجود تلاش‌های مکرر، آن‌ها نتوانستند شهرها و مناطق مهمی در جنوب لبنان را اشغال کنند. تنها موفقیت‌های محدود آنان در تصرف برخی نقاط مرزی یا روستاهای کوچک در نزدیکی مرز بوده است. برای مثال، تصرف «کفر کلا» که دقیقاً در نقطه صفر مرزی قرار دارد و با شهرک‌های صهیونیستی در فلسطین اشغالی تنها به وسیله یک حصار جدا شده است، کار نظامی پیچیده‌ای محسوب نمی‌شود؛ حتی از پنجره‌های خانه‌های این منطقه نیز دو طرف یکدیگر را می‌بینند. همچنین تصرف مناطقی مانند «مارون راس» که در کنار «بنت جبیل» قرار دارد و در نقطه صفر مرزی است، برای ارتش اسرائیل کار دشواری نبود. اما با این حال، آن‌ها در طول این یک ماه نتوانستند وارد بنت جبیل شوند یا مناطقی مانند «خیام» را اشغال کنند. اسرائیل حتی با نیروهای زیاد و حملات سنگین نیز موفق نشد این شهر را تصرف کند. در چند شب اخیر، مقاومت حزب‌الله به ویژه جانانه و مؤثر بود، به طوری که تلفات وارد شده به اسرائیل موجب شد این دیدگاه در میان اسرائیلی‌ها تقویت شود که موفقیت زمینی امکان‌پذیر نیست. اکنون آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که باید جنگ را به یک دستاورد سیاسی تبدیل کرده، از مواضع خود عقب‌نشینی کنند و این اقدام را به عنوان دستاوردی جدید جلوه دهند.

آمریکایی‌ها همیشه به همین روش عمل می‌کنند؛ اجازه می‌دهند رژیم صهیونیستی ابتدا تجاوز نظامی را آغاز کرده و تا جایی که می‌تواند پیشروی کند. اما وقتی این رژیم به مشکل برمی‌خورد، تلاش می‌کنند آن را به عنوان یک دستاورد سیاسی جا بزنند. در این زمینه هوکشتاین، نماینده دولت بایدن که خودش یک افسر اسرائیلی است، نمونه‌ای جالب است. این فرد در جنگ ۳۳ روزه به عنوان افسر ارتش اسرائیل شرکت داشت و پس از جنگ به آمریکا رفت، تابعیت دوگانه گرفت و حالا به عنوان یکی از مقامات دولت بایدن فعالیت می‌کند. چنین فردی چگونه می‌تواند در نقش یک واسطه بی‌طرف ظاهر شود؟»

اسرائیل تلاش می‌کند با حزب‌الله، زیر آتش مذاکره کند

این کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به اینکه این افراد بار دیگر بحث آتش‌بس را با شرایط جدید مطرح کرده‌اند، افزود: «در جنگ ۳۳ روزه، این جنگ با قطعنامه ۱۷۰۱ پایان یافت. بر اساس این قطعنامه، ترتیبات جدیدی در جنوب لبنان تا مرز اتخاذ شد که تا مدت‌ها ادامه داشت. اسرائیلی‌ها در ابتدا با این قطعنامه موافق نبودند، اما به دلیل ضربات سنگینی که در روزهای آخر جنگ ۳۳ روزه متحمل شدند، ناچار به پذیرش آن شدند.

اما این بار اسرائیلی‌ها نمی‌خواهند شرایط مشابهی را بپذیرند. آن‌ها ادعا می‌کنند که بازگشت به قطعنامه ۱۷۰۱ قابل قبول نیست و طرف لبنانی تأکید دارد که این قطعنامه باید دوباره اجرا شده و وضعیت به حالت عادی بازگردد. در مقابل، اسرائیل تلاش می‌کند از طریق فشار آوردن و به اصطلاح «مذاکره زیر آتش» طرف مقابل را وادار به پذیرش شرایط خود کند. آن‌ها یا خواهان کنار گذاشتن کامل قطعنامه اندیامی خواهند تغییراتی در آن اعمال کنند؛ از جمله اینکه حزب‌الله در جنوب لبنان تا مرز خلع سلاح شود. این موضوع حتی در قطعنامه ۱۷۰۱ نیز مطرح شده بود، اما نه در آن زمان امکان اجرایش وجود داشت و نه اکنون. در آن زمان کمیته‌ای سه جانبه برای نظارت بر اجرای قطعنامه تشکیل شد که شامل لبنان، رژیم صهیونیستی و نمایندگان بین‌المللی بود، با نظارت محدود آمریکا و فرانسه. اما اکنون اسرائیلی‌ها خواهان تشکیل کمیته‌ای بزرگ‌تر با حضور آلمان، انگلیس، آمریکا، فرانسه و سازمان ملل‌اند. عجیب‌تر اینکه اسرائیل به دنبال ایجاد حقی برای خود در توافق جدید است؛ حقی که به آن‌ها اجازه می‌دهد هرگاه احساس کنند این توافق نقض شده است، بتوانند دوباره حمله کنند و جنگ را از سر بگیرند. این رویکرد، با توجه به شناختی که از رژیم صهیونیستی وجود دارد، جای نگرانی جدی دارد؛ زیرا این رژیم همواره با اتهامات دروغ، دلایل واهی و بهانه‌های بی‌اساس، جنگ‌ها را آغاز می‌کند.»

حزب‌الله با هرگونه تعدیل در شرایط قطعنامه ۱۷۰۱ مخالف است

حملات اسرائیل به بیمارستان‌ها و اردوگاه‌های آوارگان فلسطینی مورد توجه اسداللهی قرار گرفته و در این باره گفت: «در جریان حملات به غزه، بیمارستان‌ها را هدف قرار دادند. وقتی از آن‌ها پرسیده شد که چرا بیمارستان‌ها را می‌زنند، با وجود ممنوعیت حمله به این اماکن طبق قوانین بین‌المللی، ادعا کردند حماس زیر بیمارستان‌ها تأسیسات نظامی و مخازن سلاح دارد. اما بارها و بارها هیئت‌های مختلف از این بیمارستان‌ها بازدید کرده و هیچ مدرکی دال بر این ادعا پیدا نکردند. با این حال، اسرائیل به این موضوع اهمیتی نمی‌دهد. مدارس، مساجد، کلیساها، دانشگاه‌ها و حتی مکان‌های پناه‌جویان نیز از حملات در امان نمانده‌اند. مدارس که محل اسکان آوارگان بودند، با این ادعا هدف قرار گرفتند که حماس در این مدارس مخازن سلاح قرار داده است. این رژیم حتی مساجد و کلیساها را نیز نابود کرده است. با چنین رفتارهایی، اگر این رویه در لبنان نیز تکرار شود، دیگر چیزی به نام آتش‌بس وجود نخواهد داشت. اسرائیل می‌تواند هر روز به بهانه‌ای یک شخصیت را ترور کند، یک مدرسه را هدف قرار دهد یا یک مسجد را نابود کند و جنایات خود را مانند غزه ادامه دهد. به عنوان مثال، در موضوع فرودگاه بین‌المللی بیروت، ادعای اسرائیل مبنی بر وجود تأسیسات حزب‌الله کاملاً بی‌اساس است. همه بازدیدها نشان داده‌اند که این فرودگاه کاملاً تحت کنترل دولت لبنان است و هیچ ارتباطی با حزب‌الله ندارد. به همین دلیل، حزب‌الله با هرگونه تعدیل در شرایط قطعنامه یا مفاد جدیدی که اسرائیل مطرح کند، مخالف است. این مسئله به مذاکرات کنونی گره خورده است. روش اسرائیل برای مذاکره زیر آتش، یعنی اعمال فشار در حین جنگ، به‌وضوح تلاش می‌کند تا حزب‌الله یا لبنان را مجبور به پذیرش شروط خود کند. اما حزب‌الله موضع کاملاً روشنی دارد و حاضر نیست هیچ‌گونه تغییری را بپذیرد که به نفع اسرائیل تمام شود.»

نتانیاهو آتش‌بس را به‌عنوان هدیه‌ای برای ترامپ نگه می‌دارد؟

اسداللهی با بیان اینکه برخی در ایران از پذیرش قطعنامه ۱۷۰۱ توسط حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه تعجب می‌کنند، توضیح داد: «این پذیرش موضوع تازه‌ای نیست و به دلایل خاصی صورت گرفت که شرایط آن زمان ایجاب می‌کرد. اکنون نیز حزب‌الله به هیچ‌وجه تعدیلی را که اسرائیل بخواهد اعمال کند، نمی‌پذیرد. مذاکراتی که در حال حاضر با واسطه‌گری نبیه بری، هم‌پیمان بزرگ حزب‌الله انجام می‌شود، نشان داده است مواضع لبنان و حزب‌الله کاملاً قاطع و بدون تغییر باقی مانده است. نبیه بری، همانند جنگ ۳۳ روزه، از سوی حزب‌الله به‌عنوان مذاکره‌کننده اصلی عمل می‌کند. تا به حال، نه توسعه کمیته نظارت و نه شروط پیشنهادی اسرائیل را قبول نکرده است. موضع حزب‌الله این است هیچ‌گونه شرطی که به تضعیف مقاومت منجر شود، پذیرفتنی نیست. نبیه بری، رئیس پارلمان لبنان که در حال مذاکره با آمریکاست نیز برای تن دادن به خواسته‌های اسرائیل به شدت تحت فشار است. اسرائیل شب گذشته به پایگاه ارتش لبنان در منطقه الصرفند حمله کرد. این منطقه یکی از مراکز قدرت نبیه بری در جنوب لبنان به‌شمار می‌رود و حتی منزل وی نیز در این منطقه قرار دارد. به‌وضوح، اسرائیل با این اقدام تلاش دارد پیامی به نبیه بری ارسال کند مبنی بر اینکه او باید در مذاکرات کوتاه بیاید. اما نبیه بری از نظر توانایی در مذاکره بسیار برجسته است. وی همواره مواضع روشنی داشته و نشان داده که در برابر زیاده‌خواهی‌های اسرائیل کوتاه نمی‌آید. امیدواری بسیاری وجود دارد که این بار نیز اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی از خواسته‌های غیرمنطقی خود شود و درنهایت آتش‌بس را بپذیرد. در سوی دیگر، نتانیاهو تمایلی به آتش‌بس ندارد، زیرا تلاش می‌کند تا زمانی که ترامپ روی کار می‌آید (اول بهمن)، فضای بیشتری برای اقدامات نظامی در غزه و لبنان داشته باشد. اما از سوی دیگر، ارتش اسرائیل به این نتیجه رسیده است که ادامه جنگ در لبنان به نفع آن‌ها نیست و ممکن است در دقیقه ۹۰ به توافقی اضطراری تن دهند. ابهام بزرگی در این مذاکرات وجود دارد؛ آیا نتانیاهو حاضر است این آتش‌بس را به نام دولت بایدن تمام کند یا ترجیح می‌دهد آن را به‌عنوان هدیه‌ای برای ترامپ نگه دارد؟ بعید به نظر می‌رسد که آتش‌بس دائمی برقرار شود. شاید تنها شاهد آتش‌بس‌های موقت به دلایل انسانی باشیم، اما پایان جنگ در لبنان در شرایط فعلی غیرممکن به نظر می‌رسد و احتمالاً حداقل تا روی کارآمدن ترامپ ادامه خواهد داشت.»